

دانشنامه جهان اسلام

س

سنن ابن ماجه - سنن کبانک

(۲۵)



زیر نظر

غلامعلی حداد عادل

سازمان ملی

حسن طارمی راد

تهران ۱۳۹۷

بدل شده باشد (همان، تعلیقات فاروقی، ص ۲۶۱؛ اسماعیل مارچینکوفسکی، ص ۲۶-۴۸).

تسلط بر تایلند بر مالاکا در ۹۱۷/۱۱۵۱ ظاهراً موجب افزایش جمعیت مسلمانان در آیوتایا گردید (به کنگجانا^{۱۳}، ۱۳۷۹ ش.م. ص ۱۵۱-۱۵۲؛ همو، ۱۳۸۴ ش. ص ۵۹). از نامه‌ای که یکی از مبلغان مسیحی در ۹۶۱/۱۵۵۲ در مالاکا نوشته است، چنین برمی آید که در آیوتایای آن روزگار هفت مسجد با خادمان ترک و عرب وجود داشته است و سی هزار مسلمان در آن زندگی می کرده اند؛ اگرچه این آمار دقیق به نظر نمی رسد (به چولاراتانا^{۱۴}، ۲۰۰۸، ص ۳۸-۳۹؛ عمر فاروق شیخ احمد^{۱۵}، ص ۲۰۷-۲۰۹؛ د. اسلام، چاپ اول، ذیل ماده). در کاوشهای ۱۳۳۶ ش/ ۱۹۵۷ در منطقه باستانی آیوتایا، دو سکه متقوش به خط عربی متعلق به اوایل قرن نهم / پانزدهم یافته شد که نشان دهنده مناسبات تجاری مسلمانان با سیام در این دوره است. ظاهراً آیوتایا توقفگاه بازرگانان مسلمان در مسیرشان به چین بوده است (به اسکاین^{۱۶}، ۱۹۸۰، ص ۶۱؛ کنگجانا، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۵-۵۶).

اسلام از قرن هفتم تا نهم / سیزدهم - پانزدهم، در پی کوشش مبلغان مسلمان، در سیام گسترش یافت. از سوی دیگر، فعالیت‌های تجاری مسلمانان عرب، ایرانی و هندی در جنوب شرقی آسیا که با تمایل دربار سیام در دوره پادشاهیهای سوختای / سوختهای^{۱۷} (۸۴۲-۱۲۲۸/۱۴۳۸) و آیوتایا (۷۵۲-۱۱۸۱/۱۳۵۱-۱۷۶۷) به گسترش تجارت همراه بود، مسلمانان را به سکونت در سیام تشویق کرد. تغییرات سیاسی در کشورهای مسلمان خاورمیانه، هند و جنوب شرقی آسیا نیز به مهاجرت گروه‌های مختلف مسلمان به سیام منجر شد (به چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۹۱-۹۲؛ کریستف مارچینکوفسکی، ص ۱۷۳؛ امتیاز یوسف^{۱۸}، ص ۳۵؛ نیز به ترین^{۱۹}، ص ۱۸۷-۱۸۸). سیاست دینی سهل گیرانه حکمرانان سیام در قبال خارجی‌ان و از جمله مسلمانان موجب شد اجتماعاتی بزرگ از گروه‌های خارجی در شهرهای مهم سیام شکل گیرند. با آغاز قرن دهم / شانزدهم، مسلمانان سهمی بسزا در اقتصاد، جامعه، مذهب، فرهنگ و سیاست سیام داشتند (به چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۹۲؛ کریستف مارچینکوفسکی، ص ۱۷۵؛ کنگجانا، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۹-۶۰).

مناسبات ایرانیان با سیام، ایرانیان به سبب وجود سیام بر سر راه

1937- 1942; Muhammad Ikram, *History of Muslim civilization in India and Pakistan: a political and cultural history*, Lahore 1993.

/ محمدجواد اتواری /

سیام، نام قدیم تایلند، کشوری واقع در جنوب شرقی آسیا و در قسمت غربی شبه جزیره هندوچین. درباره وجه تسمیه سیام اختلاف است. این نام را از واژه سین^۱ مشتق دانسته اند، که نام جایی یکی از دو گروه اصلی قوم سیامی^۲ است و نیز واژه‌ای مالایی به معنای سیاه است، که به خاک سیاه رنگ آبرفتی و حاصلخیز سرزمین سیام دلالت دارد. سیامیها خود را تنهای^۳ می نامیدند. به معنای آزاد مرد، می نامند تا بیا و چنینها هم نژادند و شایسته‌های فیزیکی و ساختار زبانی یکسان آنان مؤید این مدعاست (به محمدریغین محمدابراهیم، تعلیقات فاروقی، ص ۲۷۶؛ کتکترش^۴، ج ۱۱، ص ۲۶۵؛ وود^۵، ص ۳۲).

پیشینه شاه راما تیودی (راما تیودی)^۶ با او- تونگ (او- تنونگ)^۷ در حدود ۷۵۲/ ۱۳۵۱ شهر آیوتایا (آیوتهایا)^۸ / آیودیا (آیوتهایا)^۹ را - که اینک در هشتاد کیلومتری شمال بانکوک است - بنیاد نهاد و به پایتختی خود برگزید. این شهر بیش از چهارصد سال پایتخت سیام بود و سرانجام، با حمله برمه‌ایها در ۱۱۸۱/ ۱۷۶۷ ویران شد. در این دوران، که از آن به دوران آیوتایا یاد می شود، ۳۴ پادشاه به حکومت رسیدند (به < جنوب شرقی آسیا >^{۱۰}، ذیل "Ayutthaya, kingdom of"; کریستف مارچینکوفسکی^{۱۱}، ص ۱۶۹). ظاهراً، مطلع سعدین تألیف عبدالرزاق سمرقندی قدیم ترین کتاب فارسی است که در آن از پایتخت سیام نام برده شده است. عبدالرزاق سمرقندی در این کتاب، آن را «شهر نو» خوانده است (به ج ۱، دفتر ۲، ص ۹۳۵-۹۳۴). در دو کتاب العمدة المصهریة (ص ۴۲) و المنهاج القاهر (ص ۱۸، ۳۶)، اثر سلیمان مَهْری، نیز از این شهر با نام شهر نو یا «شهر نو» یاد شده است. محمدریغین محمدابراهیم احتمال داده است که آیودیا از زمرة شهرهای ملجین باشد که به اعتبار کاربرد ناو در این ناحیه، شهر ناو خوانده می شده است. به گفته وی، سکنه آن دیار به زبان خود، آن شهر را «آیودیا» یعنی شهر بزرگ می خوانند (به ص ۸۳-۸۵). با توجه به موقعیت جزیره‌ای این شهر بعید نیست که ابتدا به شهر ناو (شهر قایقها) مشهور شده و بعدها این نام به شهر نو

- | | | | | | | |
|------------------------|-------------------|------------------------------|------------|--------------------|------------------|----------------|
| 1. Sien | 2. Siamese | 3. Thai | 4. Tai | 5. Conder | 6. Wood | 7. Ramathibodi |
| 8. U-thong | 9. Ayutthaya | 10. Ayodhya | | 11. Southeast Asia | 12. Marcinkowski | |
| 13. Pluplung Kongchana | 14. Chularatana | 15. Omar Farouk Shaeik Ahmad | 16. Scupin | | | |
| 17. Sukhothai | 18. Imtiyaz Yusuf | 19. Turpin | | | | |

زمام امور حکومت را به دست عبدالرزاق گیلانی، که از کودکی با او بزرگ شده بود، سپرد اما ظلم و فساد او موجب شد شاه او را زندانی کند. پس از او، آقامحمد استرآبادی که شخصی کاردان و درستکار بود، بر مسند قدرت نشست. آقامحمد برای حفاظت از شاه، دویست تن از ایرانیان مقیم هندوستان را، که عمدتاً از منطقه استرآباد و مازندران بودند، به سیام برد؛ اما اختلافات آقامحمد با آنان موجب بدگمانی شاه و قتل آقامحمد گردید (نیز ← چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۱۰۱؛ همو، ۲۰۰۸، ص ۴۶).

جامعه مسلمانان سیام. سیامیها اصطلاح خائک^۱ را به معنای «خارجیها» و بعدها برای مردم سرزمینهای غرب سیام (غیر از اروپاییها) از جمله گروههای مسلمان هندی، ایرانی و عرب به کار بردند و برای تفکیک آنان، نام نواحی یا ادیان مختلف را همراه با این واژه ذکر می کردند، مانند خائک چام^۲، خائک خراسان، خائک چائوسن^۳، خائک هندو (← اسکاپین، ۱۹۸۰، ص ۶۳؛ چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۹۲؛ همو، ۲۰۰۸، ص ۳۹). سیامیها در دوره آیوتایا، مسلمانان هندی و ایرانی را با نامهایی مانند خائک چائوسن و خائک ما نگون^۴ می نامیدند. آنها واژه چائوسن را برای شیعیان به کار می بردند که برگرفته از نام امام حسین علیه السلام است. ما نگون نیز ممکن است برگرفته از واژه مغول یا ماهول^۵ باشد که ایرانیها آن را برای شیعیان هندی به کار می بردند. شیعیان هندی و ایرانی در داخل شهر آیوتایا زندگی می کردند. آنها عمدتاً بازرگان بودند و کالاهای نفیس و تجملی مانند فرش ایرانی، گلاب و طلا و جواهر می فروختند. اهمیت شیعیان در تجارت محلی و بین المللی عامل اصلی بود برای آنکه دربار امتیاز سکونت در داخل شهر را به آنان اعطا کند. در منابع غربی، شماری از گروههای مسلمان سیام «مور»^۶ نامیده شده اند. این لفظ را پرتغالیها و اسپانیاییها برای مسلمانان شمال و شرق آفریقا، خاورمیانه، آسیای مرکزی و هند به کار می بردند. ترکها، ایرانیها، مغولها، گلکنده ایها و بنگالیها که اغلب شیعه اثناعشری بودند، از این جمله به شمار می آمدند (← چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۹۹-۱۰۰؛ همو، ۲۰۰۸، ص ۴۵-۴۲؛ کنگچانا، ۱۳۸۴ ش، ص ۶۰-۶۱).

جامعه مسلمان ایرانی سیام برای برگزاری مناسک و آیینهای مذهبی آزادی کامل داشت و از حمایت شاهنارای برخوردار بود. ایرانیان آشکارا مراسم سوگواری محرم و تعزیه برپا می داشتند. با پایان یافتن پادشاهی آیوتایا در ۱۱۸۱/۱۷۶۷، تفوق فرهنگ ایرانی بر مسلمانان آیوتایا نیز پایان پذیرفت (کریستف مارچینکوفسکی، ص ۱۷۵). ظاهراً اختلافات ایرانیان با هم

تجارت آنان با چین با این سرزمین آشنا شدند (← چولاراتانا، ۱۳۸۴ ش، ص ۳۳-۳۴). ظاهراً بازرگانان ایرانی از حدود سده نخست به جنوب شرقی آسیا آمدوشد داشتند. آنها در کنار تجارت، به تبلیغ اسلام نیز می پرداختند. با این حال، به گواهی اسناد تاریخی، ایرانیان از ۱۵۱۵/۹۲۱ در آیوتایا ساکن شدند (← کنگچانا، ۱۳۷۹ ش ب، ص ۱۶۵؛ همو، ۱۳۸۴ ش، ص ۵۴). شماری از ایرانیان در دوره قطب شاهیان (۹۰۱-۱۰۹۸/۱۴۹۶-۱۶۸۷) شیعی مذهب در گلکنده^۷، که با پادشاهان صفوی مناسبات دوستانه داشتند، به این منطقه مهاجرت کردند. به این ترتیب، این حکومت دروازه ارتباط شیعیان ایران و هند با جنوب شرقی آسیا و از جمله سیام در دوره پادشاهی آیوتایا بود (کریستف مارچینکوفسکی، ص ۱۶۹-۱۷۰؛ چولاراتانا، ۲۰۰۸، ص ۴۳). بر اساس تاریخچه آیوتایا، اولین مسلمانان ایرانی که به این شهر پا نهادند، شیخ احمد قمی و برادرش محمدسعید بودند (اسکاپین، ۱۹۸۰، ص ۶۳؛ نیز ← قمی، شیخ احمد^۸). کردها، گیلانیها، مازندرانیها، لرها و بلوچها از گروههای اصلی ایرانیان ساکن در سیام بودند (چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۹۸).

مناسبات سیاسی و اقتصادی میان ایران و سیام در دوره صفویان و حکومت پراسات تونگ / پراسات تهونگ^۱ (حک: ۱۰۴۰-۱۰۶۷/۱۶۲۹-۱۶۵۶) رشد کرد و در دوره شاهنارای^۲ (حک: ۱۰۶۷-۱۱۰۰/۱۱۵۶-۱۶۸۸)، فرزند پراسات تونگ، که تحت تأثیر فرهنگ ایرانی بود، بیشتر شد. ایرانیان در جنگ قدرت در دربار سیام، شاهنارای را برای غلبه بر رقیبان خود و نشستن بر تخت سلطنت در ۲۷ ذیحجه ۱۰۶۶/۱ اکتبر ۱۶۵۶ یاری کردند (← چولاراتانا، ۱۳۸۴ ش، ص ۳۳-۳۴، ۴۰-۴۱؛ اسکاپین، ۱۹۸۰، ص ۶۳؛ نیز ← محمدربیع بن محمدابراهیم، ص ۹۲-۹۵، تعلیقات فاروقی، ص ۲۷۵-۲۷۶). در ۱۰۹۳/۱۶۸۲، نارای به توصیه ایرانیان بانفوذ در دربار، تصمیم گرفت تا حاجی سلیم مازندرانی را به عنوان سفیر تام الاختیار خود همراه با هدایای نفیس به ایران اعزام کند. شاه سلیمان صفوی نیز متقابلاً هیئتی را به رهبری محمدحسین بیگ به عنوان سفیر ایران همراه حاجی سلیم مازندرانی به سیام فرستاد (مارچینکوفسکی، ص ۱۷۴-۱۷۵؛ نیز ← محمدربیع بن محمدابراهیم، ص ۸۷-۸۸). از نکات حائز اهمیت این سفر، اعزام محمدربیع بن محمدابراهیم واقع نگار بود که خاطرات خود از این سفر را با عنوان سفینه سلیمانی نوشت. این اثر یگانه منبع مهم فارسی درباره وضع سیام و حضور ایرانیان در دربار آن است (← سفینه سلیمانی^۳). به گزارش محمدربیع بن محمدابراهیم (ص ۹۴-۱۰۰)، شاهنارای

1. Prasat Thong

2. Narai

3. Khaek

4. Cham

5. Chao Sen

6. Ma Ngon

7. Mahol

8. Moor

۹۷، ۱۹۹ هـ.و. ۲۰۰۸، ص ۳۹، ۴۱). جامها که خاستگاهشان جنوب ویتنام امروزی است، نیز در سیام به صنعت و تجارت، مشغول بودند. شماری از مسلمانان عرب و ایرانی، که اغلب تاجر و صنعتگر بودند، از اوایل نیمه دوم قرن هشتم / چهاردهم در میان آنان ساکن شدند. از سوی دیگر، گروههایی از جامها پس از فروپاشی سلطنتشان، جامپا، در ۸۷۶ / ۱۲۷۱، روانه مالاکا و جاوه و کامبوج شدند. پس از اقامت آوارگان چام در کامبوج، مسلمانان مالایی به میان آنان رفتند و آنها را به اسلام دعوت کردند. بعدها شماری از این مسلمانان شافعی مذهب به آیوتایا رفتند (چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۹۶-۹۷؛ اسکاپین، ۱۹۸۰، ص ۶۷-۷۰؛ نیز چام*).

در ۱۰۷۸ / ۱۶۶۷، اشغال بندر ماکاسار* در اندونزی به دست هلندیها مهاجرت شماری دیگر از مسلمانان شافعی مذهب را به سیام در پی داشت. شاهنارای مقامات اقامت شاهزاده تبعیدی ماکاسار و هوادارانش را فراهم کرد. ظاهراً شماری از این پناهندگان علیه شاهنارای شورش کردند، که به تلفات سنگین آنها منجر شد (اسکاپین، ۱۹۸۰، ص ۶۷؛ عمر فاروق شیخ احمد، ص ۲۱۲؛ هال^۶، ص ۳۴۶-۳۴۷). پس از فروپاشی سلطنت آیوتایا، شاهرامای اول از سلسله پادشاهی چاکری^{۱۳}، که پایتخت جدید یعنی بانکوک را بنیاد نهاد، بر اسکان مسلمانان ایرانی، هندی، چام، ماکاسار و مالایی در بخشهای مختلف پایتخت و همچنین سایر نقاط کشور نظارت کرد (امتیاز یوسف، ص ۳۵؛ اسکاپین، ۱۹۹۸، ص ۲۳۹؛ نیز تایلند، مسلمانان*).

منابع: پیتا بونانگ، «تأثیر هنر پارسی در معماری آیوتایا، در محمد تمهیدی، تایلند سرزمین طلایی: با تأکید بر نقش مسلمانان در آن کشور، به انضمام سمینار شیخ احمد قس و تاریخ سیام، تهران: انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۹ ش؛ جولیس بنگ چولاراتانا، «روابط سیاسی و اقتصادی بین سلسله صفوی ایران و سلسله پراساتونگ سیام در قرن ۱۷ میلادی»، ترجمه سمجای پومیسوک، در پنجاهمین سالگرد روابط دیپلماتیک ایران و تایلند، تهران: گسترش اندیشه، ۱۳۸۲ ش؛ سلیمان بن احمد سلیمان نهی، کتاب العمدة المهریة فی ضبط العلوم البحریة، چاپ ابراهیم خوری، دمشق ۱۳۹۰ / ۱۹۷۰ هـ.و. المنهاج الفایز فی علم البحر الزاخر، در العلوم البحریة عند العرب، چاپ ابراهیم خوری، قسم ۱، جزء ۲، دمشق: مجمع اللغة العربیة، ۱۳۹۰ / ۱۹۷۰؛ عبدالرزاق بن اسحاق عبدالرزاق سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، چاپ عبدالحسین نوایی، تهران ۱۳۷۲-۱۳۸۳ ش؛ پلویونگ کنگچانا، «پارسیان مقیم آیوتویا، در محمد تمهیدی، همان مع، ۱۳۷۹ ش الف؛ هـ.و. «توسعه تاریخی جامعه ایرانیان مقیم آیوتایا، در

موجب شد که نفوذ فالکن^۱، از کارگزاران حکومت فرانسه، در دربار سیام افزایش یابد (محمدربیع بن محمد ابراهیم، ص ۵۳-۵۴. نیز همان، تعلیقات فاروقی، ص ۲۶۶-۲۶۸). فالکن می‌کوشید با نفوذ در دربار سیام مناسبات ایران و سیام را تضعیف و برای حضور فرانسه در این سرزمین زمینه‌سازی کند (عمر فاروق شیخ احمد، ص ۲۱۳؛ اسکاپین، ۱۹۸۰، ص ۶۵-۶۶). ایرانیان تا دوره حکومت برمکت^۲ (حک: ۱۱۲۶-۱۱۶۵ / ۱۷۳۳-۱۷۵۲) بر تشیع باقی بودند، اما این پادشاه که در کیش بودایی تعصب داشت، تداوم اشتغال ایرانیان به امور دولتی را به پذیرش کیش بودایی مشروط کرد، شماری از ایرانیان به این شرط تن دادند و شماری دیگر بر تشیع باقی ماندند. این شیعیان ایرانی الاصل در محله تنبوری^۳ در بانکوک متمرکزند (محمدربیع بن محمد ابراهیم، همان تعلیقات، ص ۲۸۰).

از تأثیر ایرانیان بر فرهنگ مردم سیام شواهدی در دست است؛ از جمله واژگان متعدد با ریشه فارسی که هم‌اکنون در زبان تایی به کار می‌روند، مانند کلم پلی^۴ (کلم)، انگون^۵ (انگور) و کولاپ^۶ (کلاب؛ اسماعیل مارچینکوفسکی، ص ۵). عارف بزرگ مالایی، حمزه فتصوری*، نیز ظاهراً در آیوتایا در میان ایرانیان، فارسی، حکمت و عرفان آموخت. او در آثارش به کرات از حضرت علی علیه السلام یاد کرده و از این رو، احتمالاً بر مذهب شیعی بوده است (عطاس^۷، ص ۷؛ اسماعیل مارچینکوفسکی، ص ۴۹-۵۴). معماری ایرانی نیز بر معماری تایی در دوره آیوتایا اثر گذاشته است (بونانگ^۸، ص ۱۲۰-۱۴۸).

فعالیت‌های اقتصادی تاجران هندی شافعی و حنفی مذهب در مرگویی^۹ و تناسریم^{۱۰}، که در آن روزگار جزء قلمرو سیام به شمار می‌رفتند، متمرکز بود. شماری از این مسلمانان که از آمیزش مسلمانان آسیای غربی و زنان تأملی جنوب هند پدید آمده بودند، چولیا^{۱۱} خوانده می‌شدند. آنها در قرن یازدهم / هفدهم سهمی مهم در تجارت قلع و فیل داشتند و به منظور دادوستد، در کنار رودخانه سکنا گزیدند (چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۱۰۲؛ اسکاپین، ۱۹۸۰، ص ۶۷). مالایها، جامها و مسلمانان دیگر نقاط مجمع‌الجزایر جنوب شرقی آسیا که به سیام مهاجرت کردند، شامل تاجران و پناهجویان بودند. جمعیت مالایها که شافعی مذهب بودند، از دیگر گروههای مسلمان در سیام بیشتر بود. آنها به کارهایی مانند تجارت، صنعتگری، کشاورزی و خدمات شهری اشتغال داشتند (چولاراتانا، ۲۰۰۷، ص ۹۴).

1. Falcon

2. Bromkot

3. Thonburi

4. Kalam plii

5. Angun

6. Kulaap

7. Attas

8. Pitaya Bunnag

9. Mergui

10. Tenasserim

11. Chulia

12. Hall

13. Chakri

همان، ۱۳۷۹ ش ۳، همو، در روابط دیپلماتیک بین تایلند و ایران در دوران سلطنت شاه‌سیام، ندرای مهاراج، ترجمه سمجای پومیوک، در پنجاهمین سالگرد روابط دیپلماتیک ایران و تایلند، همان، ۱۳۸۴ ش، محمدریغ بن محمد ابراهیم، سفینه سلیمانی: سفرنامه سفر ایران به سیام، ۱۰۹۴-۱۰۹۸ ه. ق.، چاپ عباس فاروقی، تهران ۱۳۵۶ ش.

Syed Muhammad Naguib Attas, *The mysticism of Hamzah Fansuri*, Kuala Lumpur 1970; Julispong Chularatana, "Muslim communities during the Ayutthaya period", *Manusya: journal of humanities*, vol. 10/ 1 (2007); idem, "The Shi'ite Muslims in Thailand from Ayutthaya period to the present", in ibid, special issue, no. 16 (2008); Josiah Conder, *The modern traveller: a description, geographical, historical, and topographical, of the various countries of the globe*, vol. 11, London 1830; EI¹, s.v. "Siam" (by Gabriel Ferrand); Daniel George Edward Hall, *A history of South-East Asia*, London 1967; Imtiyaz Yusuf, "The role of the Chularajmontri (Shaykh al-Islām) in resolving ethno-religious conflict in southern Thailand", *American journal of Islamic social sciences*, vol. 27, no.1 (winter 2010); Christoph Marcinkowski, *Shi'ite identities: community and culture in changing social contexts*, Zurich 2010; M. Ismail Marcinkowski, *From Isfahan to Ayutthaya*, Singapore 2005; Omar Farook Shaeik Ahmad, "Muslims in the kingdom of Ayutthaya", *Jebat: Malaysian journal of history, politics & strategic studies*, vol. 10 (1980); Raymond Scupin, "Islam in Thailand before the Bangkok period", *Journal of The Siam Society*, vol. 68/1 (Jan. 1980); idem, "Muslim accommodation in Thai society", *Journal of Islamic studies*, vol. 9, no. 2 (July 1998); *Southeast Asia: a historical encyclopedia, from Angkor Wat to East Timor*, ed. Ooi Keat Gin, Santa Barbara, Calif.: ABC-CLIO, 2004, s.v. "Ayutthaya, Kingdom of" (by Charnvit Kasetsiri); François Henri Turpin, *History of the kingdom of Siam: the empire up to A. D. 1770*, Bedford, Mass. [2009]; William Alfred Rae Wood, *A history of Siam: from the earliest times of the year A.D. 1781, with a supplement dealing with more recent events*, London [1924?].

/ محمودرضا اسفندیار /

سیاوش، از قهرمانان اساطیر ملی ایران، پسر کیکائوس و پدر کیخسرو*. نام سیاوش در پشته‌ها، سیاوش‌شن^۱ آمده است. پشته ۱۷، بند ۳۸، پشته ۱۹، بند ۱۷۷ نیز به بازگاوینه^۲ (ص ۱۶۳۱) و آن را از دو جزء «سیاو» و «ارشن» به معنای دارنده نریان سیاه یا قهوه‌ای (نیرنگ^۳) بخش ۲، ص ۱۷۶ سادووسکی^۴، ص ۱۵۲۳ نیز به حسن دوست، ج ۳، ص ۱۸۰۱ پیامبرد موی سیاه، مرد سیاه، و مرد سیاه‌چهره دانسته است. (به یوشی^۵ ص ۲۹۹-۱۳۰۰ د. ایرانی‌کا، ذیل "Kayāniān" بهار ۱۳۹۱ ش ص ۱۹۵). در اوستا (پشته ۱۹، بند ۷۱)، سیاوش از کیان دانسته شده است. این نام در متون فارسی و عربی به صورتهای سیاوخش (مثلاً بلعمی، ۱۳۵۳ ش، ج ۱، ص ۵۹۶ مسکوی، ج ۱، ص ۷۳)، سیاوش (مثلاً دینوری، ص ۱۱۳ مقدسی، ج ۳، ص ۱۴۸-۱۴۹) و سیاووش (مثلاً ابن بلخی، ص ۲۱ نظامی، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۳۰) آمده است. فردوسی آن را در شاهنامه به دو صورت سیاوخش (مثلاً دفتر ۲، ص ۲۰۷-۲۱۰، دفتر ۳، ص ۴۸، دفتر ۴، ص ۱۱۳، ۲۰۴) و سیاوش آورده است (برای نمونه دفتر ۲، ص ۲۴۲، دفتر ۳، ص ۴۷، ۶۳، ۲۴۸).

داستان سیاوش از داستانهای معروف پیش و پس از اسلام است (به ابن بلخی، همانجا، یارشاطر^۶، ۱۹۸۳، ص ۲۴۸، ۴۴۹). تلمیح به داستان سیاوش در متون پس از شاهنامه دیگر استمرار شهرت آن در سده هشتم (به عبید زاکانی، ص ۵۶ حافظ، ج ۱، غزل ۱۰۱) و حتی سده‌های یازدهم و دوازدهم (به صائب تبریزی، ج ۱، غزل ۲۳۰؛ حزین لاهیجی، ص ۱۷۸؛ نیز به رشیدی، ص ۶۳۴) است. داستان سیاوش حتی در درباری خارج از فضای فرهنگی ایران خوانده می‌شده است (محمدریغ بن محمد ابراهیم، ص ۱۲۳). به سبب همین شهرت است که در سده پنجم، ابن بلخی (همانجا) هنگام اشاره به سیاوش، از نقل دوباره داستان وی صرف نظر می‌کند. کامل‌ترین روایت از این داستان در شاهنامه به جا مانده است.

سیاوش فرزند کیکائوس (بندیش، ص ۱۵۰؛ دینوری، ص ۱۳)، از شاهان سلسله کیانی (حمزه اصفهانی، ص ۲۵؛ ابوریحان بیرونی، ۱۹۲۳، ص ۱۰۷)، و زنی از نژاد گرسبوز بود که او را طوس و گیو در مرز ایران و توران یافته بودند (فردوسی، دفتر ۲، ص ۲۰۳-۲۰۴).

رستم* مدتی پس از تولد سیاوش او را به زاولستان (فردوسی، دفتر ۲، ص ۲۰۷؛ ابن بلخی، همانجا، قس ضری، ج ۱، ص ۵۰۴؛ بلعمی، ۱۳۵۳ ش، همانجا که گفته اند به سجستان/سگستان) برد و به او آداب رزم و سیرم آموخت

1. Shavaran
2. Yارشاطر

2. Avesta

3. Bartholomae

4. Nyberg

5. Sadovski

6. Justi